



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۳/۲۶

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم »

محتویات

- ۱- حدیث اخلاقی
- ۲- خلاصه مباحث گذشته
- ۳- موضوع شناسی سرایت
- ۴- روایات درباره بیماری های مسری
- ۵- جواز پرهیز از بیماری مسری
- ۵.۱- اثبات موضوع سرایت
- ۵.۲- لزوم قرنطینه و مراقبت
- ۵.۳- حکم شهید برای کادر درمانی
- ۵.۴- فرار از جبهه سلامت همانند فرار از جنگ

موضوع: مسائل مستحدثه/حکم سرایت /اثبات موضوع سرایت

۱- حدیث اخلاقی

عن امیر المؤمنین علیه السلام: **الایمان و العلم اخوان توأمان و****رفیقان لایفترقان.** [۱]

این کلام شریف حضرت یکی از فرمایشات گران سنگ حضرت
است و راهنمای تمام مجامع علمی و دینی است. حضرت
فرمودند ایمان و علم سه ویژگی دارند: (۱) برادرند: تنها نسبتی که

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

از هر دو طرف نسبتش برابر است. بر خلاف ابوت و بنوت. که یکی پدری و دیگری پسری است. علم و ایمان دو اخ هستند و نسبتشان به هم مساوی است و یکی است. علم ایمان را می‌طلبد و ایمان علم را. (۲) دو قلو هستند. (۳) هم‌گام هستند و رفیق هستند که از هم جدا نمی‌شوند. هم‌زاد و همراه و رفیق هستند که هرگز از هم جدا نمی‌شوند. کلام امیر (علیه السلام)، امیر کلام است. چقدر به روز است و جواب تمام شبهات را داده‌اند که اگر کسی بگوید ایمان با علم یا علم با ایمان نمی‌سازد. حضرت فرمودند این دو با هم هستند. اگر کسی عالم بود مؤمن نبود باید در علم خود شک کند.

در سخنی فرمودند: **اصل الإیمان العلم**. [۲] ایمان ریشه‌ای دارد به نام علم. ثمره علم هم معرفه‌الله است در فرمایشی دیگر. امیدواریم در این جهت تأمل داشته باشیم تا آنچه خیر است به آن نائل شویم که حقیقت علم و ایمان جز خیر نیست.

۲- خلاصه مباحث گذشته

در مسائل مستحدثه به ویژه بیماری کرونا و شبیه آن عرض کردیم در تاریخ نمونه‌های مختلفی دارد و در روایات مصادیق مختلفی دارد و با مبنایی که ما داریم که آیات و روایات الا ما خرج بالدلیل تمثیلی است نه تخصیصی بر خلاف نظر اخباریون در امثال حکم را واحد می‌دانیم.

مسائل مستحدثه به لحاظ زمان و مکان جدید هستند ولی به لحاظ اصل، **﴿اصلها ثابت و فرعها فی السماء﴾**. [۳]

امام رضا علیه السلام فرمودند: **علینا القاء الاصول و علیکم التفریع**. [۴]

نسبت مکلف به این مسائل یا حکم تکلیفی است و یا وضعی. احکام تکلیفی دایره مدار احکام وضعیه هستند. موضوع تغییر کند حکم تغییر می‌کند.

بیماران حاد تنفسی یا مراقبان آنها مانند مسئولان بیمارستان و امنیتی اگر نتوانستند احکام تکلیفی در شخص سالم را انجام دهند باید سراغ احکام اضطراری بروند و ما نظرمาน در اوامر اضطراری و ظاهری اجزاء است.

تیمم به جای وضو و غسل است گرچه عشرين سنة یا ده سال باشد. قائل بودیم اوامر الهی دارای مراتب است و هر مرتبه‌ای را که مکلف بتواند باید انجام دهد. بیمار کرونا وضو و غسل و نمازش را عرض کردیم که اگر نتوانست انجام دهد، اگر نه وضویش دهند اگر نشد تیمم کند و اگر نتوانست حکم فاقد طهورین دارد که ادا ندارد و باید تا آخر وقت صبر کند. قضا را انجام باید بدهد ولی احتیاطاً ادا را هر طور شده بخواند. پزشک یا کادر بیمارستان در حال مراقبت هستند و نمی‌توانند لباس خود را درآورند به هر نحوی که می‌تواند و لو با اشاره نمازش را بخواند. احتیاط در این است که در زمان ادا هم نماز را بخواند ولی قضا هم دارد در خارج وقت با طهارت.

احماس و زکوات را گفتیم که می‌تواند مصرف کند. سبیل الله را عامه، خاص به مجاهدان و رزمندگان می‌دانستند. ما گفتیم تمثیل است. اکثر محشین عروه گفتند مصالح عامه است ولی ما گفتیم قربة الی الله هرچه صدق کند فی سبیل الله است. اگر امور شخصیه‌ای است که حاد شده و از جای دیگر قابل تأمین نیست و می‌شود مصرف کرد. از استفتائات مراجع فعلی همانند مقام معظم رهبری دامت برکاته همه اجازه مصرف را داده‌اند. اجماع علمای معاصر است درباره کرونا.

۳- موضوع‌شناسی سرایت

بیماری‌های مسری در هر زمانی مصادیق مختلفی دارد. هر زمان که سرایت بیاید احکام دیگری صدق می‌کند. اگر آب طهارت ما منحصر به جایی است که بیمار مسری است و تحت مراقبت ویژه

است؛ آیا آب قابل استفاده هست یا خیر؟ آب در دسترس مراقب مریض به مرض مسری، نهی استفاده شاید داشته باشد. اگر نهی به این مقدمه رسید منجر به فساد عبادت نمی‌شود؟ مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸) در غسل که می‌رسند به خصوص در مورد زمان قدیم که خزینه بود و دوش نبود، مسأله‌ای مطرح می‌کنند که اگر کسی بیماری مسری داشت حمامی باید او را منع کند از ورود یا خیر؟ در کرونا هم چنین است. ما امر به مراقبت در کرونا را امر به معروف می‌دانیم و یک مسأله جمعی است.

وَأَنْ يَكُونَ بَدَنُهُ خَالِيًا عَنِ الْأَمْرَاضِ الْمُسْرِيَةِ ، وَأَنْ لَا يَخْفِيَ شَيْئًا مِمَّا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَوْ عَلِمَ بِهِ صَاحِبُ الْحَمَّامِ لَمَنَعَهُ مِنْ دُخُولِهِ. [۵]

نوه ایشان، مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (زاده ۱۲۹۴ . محله عماره نجف و درگذشته ۱۳۷۳ . کرد (نزدیکی کرمانشاه) در حاشیه عروه چنین می‌نویسد:

ولكن يظهر من كثير من الأخبار كراهة الاغتسال من المياه الراكدة كالحمام ونحوه، مثل خبر علي بن جعفر، عن أخيه موسى (عليه السلام) [وقع خلط في نسبة الرواية للإمام الكاظم (عليه السلام) وإنما هي عن الرضا عليه السلام.] قال: من اغتسل من الماء الذي اغتسل منه فأصابه الجذام فلا يلومن إلا نفسه، فقلت: إن أهل المدينة يقولون: إن فيه شفاء من العين، فقال: كذبوا، يغتسل فيه الجنب من الحرام، والزاني، والناصب، وكل من خلق الله ثم يكون فيه شفاء من العين [الوسائل: ج ۱ ص ۱۵۸ كتاب الطهارة باب ۱۱ من أبواب الماء المضاف ح ۲]. والتعليل بإصابة الجذام يشعر بشموله لعموم الأمراض المسرية، وكراهة استعمال كل ماء قد استعمله الغير، لاحتمال وجود المرض المعدي فيه، وهذه إحدى مزايا الشريعة الإسلامية وقدااسة أحكامها. [۶]

به نظر ما در مواردی غسل با آب راکد شاید حرام باشد.

کسی که می‌داند، نباید بیماری واگیر را مخفی کند. خوب فرمودند. بیمار کرونایی حق ندارد بیماری خود را مخفی کند.

۴- روایات درباره بیماری‌های مسری

۵- جواز پرهیز از بیماری مسری

محمد بن یعقوب، عن الحسين بن محمد، ومحمد بن يحيى، عن علي ابن محمد بن سعد، عن محمد بن سالم، عن موسى بن عبد الله بن موسى، عن محمد ابن علي بن جعفر، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام (في حديث) قال: من اغتسل من الماء الذي قد اغتسل فيه فأصابه الجذام فلا يلومن إلا نفسه. فقلت لأبي الحسن عليه السلام إن أهل المدينة يقولون: إن فيه شفاء من العين، فقال كذبوا يغتسل فيه الجنب من الحرام، والزاني، والناصب الذي هو شرهما وكل من خلق الله، ثم يكون فيه شفاء من العين. [۷]

بحث فرار از طاعون در روایاتی مطرح شده است. برخی روایات جایز دانسته و برخی آن را مانند فرار از جهاد دانسته‌اند. مبنای عامه این است که نباید از مریضی مسری فرار کرد. چون مقدّر الهی است و نباید از آن فرار کرد. از وبا و طاعون‌زده می‌گویند نباید فرار کرد.

با کمال معذرت به آقایان اهل عامه می‌گوییم: اینها بحث اعتقادی را با بحث فقهی اشتباه گرفته‌اند. از سویی قائل به اجتهاد در مقابل نص هستند در سقیفه و از سویی قائل به انسداد باب علم. مقبولیت شورا را گفتند و بر امت اسلامی چه گذشت که اصلاً در حیطة شورا نبود.

گفتند تمام افعال، افعال الله است. امام سجاد علیه السلام هم که در مجلس یزید قرار گرفتند گفت این کار را خدا کرد. که فرمودند نه این کار خدا نیست. ما می‌گوییم خیر چنین نیست پرهیز از بیمار مسری اشکالی ندارد.

۵.۱- اثبات موضوع سرایت

محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن النظر بن قراوش الجمال، عن أبي عبد الله قال: سألته عن الجمال يكون بها الجرب أعزلها من إبلي مخافة أن يعديها جربها، والدابة ربما صفرت لها حتى تشرب الماء، فقال أبو عبد الله عليه السلام: إن أعرابيا أتى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله إني أصيب الشاة والبقرة بالثمن اليسير وبها جرب، فأكره شرائها مخافة أن يعدي ذلك الجرب إبلي وغنمي فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أعرابي فمن أعدى الأول؟ ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا عدوى ولا طيرة ولا حامة ولا شوم ولا صفر ولا رضاع بعد فصال، ولا تعرب بعد الهجرة، ولا صمت يوما إلى الليل ولا طلاق قبل نكاح، ولا عتق قبل ملك، ولا يتم بعد إدراك. [٨]

جرب گری قابل سرایت است. اعرابی یعنی بیابان نشین که گله دار هم بوده ظاهرا. پرسیدند چه کسی اول سرایت داده است؟ فرمودند سرایتی نیست. می توان گفت در بیماری های مسری سرایتی نیست؟ رسول مکرم اسلام صلى الله عليه و آله نفی سرایت نکردند؛ نفی سرایت خیلی بعید است. شاید در آن زمان این بیماری را دامدار گمان کرده قابل سرایت است و ایشان به علمی که داشتند فرمودند قابل سرایت نیست. اول بار چه کسی سرایت داد که بگوییم سرایت می کند؟ فرمودند صرف اختلاط شاید قابل سرایت نباشد و این به این معنا نیست که ایشان منکر بیماری مسری شده باشند. روایات زیادی داریم که بحث سرایت پذیرفته شده. بیماری مسری هم قبلا و هم اکنون مسلم است. کاملا با پیشرفت علم برای ما قابل تشخیص است. شیخ حر عاملی صاحب وسائل روایات فقهی را عنوان گذاری کردند که هیچ مجتهدی از کتاب ایشان بی نیاز نیست:

وسائل ابواب جواز الفرار باب ۲۰، باب جواز الفرار من مكان
الوباء والطاعون [۹]

۵.۲- لزوم قرنطینه و مراقبت

محمد بن یعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألت عن الوباء يكون في ناحية المصر فيتحول الرجل إلى ناحية أخرى ﴿اطلاق دارد و شامل محله و شهر می شود﴾، أو يكون في مصر فيخرج منه إلى غيره، فقال: لا بأس إنما نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن ذلك لمكان ريئة كانت بحيال العدو فوقع فيهم الوباء فهربوا منه فقال رسول الله صلى الله عليه وآله، الفار منه كالفار من الزحف ﴿فرار از بیماری مانند فرار از جبهه و جنگ است﴾ كراهية أن يخلو مراكزهم. [۱۰]

به نظر ما در بیماری‌های مسری باید مراقبت داشته باشیم و تغییر و تحول هم اشکالی ندارد مگر امر مهم‌تری باشد. کادر بیمارستان می‌توانند آن را تخلیه کنند؟ اشکالی ندارد چرا که مانند میدان جنگ است. ورود در بیمارستان برای کادر درمانی آزاد است ولی باقی خیر. در خانه‌ای که قرنطینه است ورود برای اهلش آزاد و برای غیر ممنوع است.

این روایت را که برخی مستند عدم نیاز به مراقبت کرده‌اند اشکال سندی نداریم ولی اشکال دلالتی داریم.

۵.۳- حکم شهید برای کادر درمانی

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكِّلِ (رحمه الله) قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الْقَوْمُ يَكُونُونَ فِي الْبَلَدِ يَقَعُ فِيهَا الْمَوْتُ أَلَيْسَ أَنْ يَتَحَوَّلُوا عَنْهَا إِلَى غَيْرِهَا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَابَ قَوْمًا بِذَلِكَ فَقَالَ أَوْلَيْكَ كَانُوا رَبَّةً بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ

فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَنْ يَثْبُتُوا فِي مَوَاضِعِهِمْ وَ لَا يَتَحَوَّلُوا مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَلَمَّا وَقَعَ فِيهِمُ الْمَوْتُ تَحَوَّلُوا مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ فَكَانَ تَحْوِيلُهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ كَالْفِرَارِ مِنَ الرَّحْفِ. [١١]

مراد از موت مرگ در اثر بیماری ناشی از سرایت و یا بدون سرایت است.

از این روایت به دیدگاه ما می‌توان استفاده کرد که کادر درمانی شهید حساب می‌شود. از این روایت می‌توان فهمید که اینها شهید هستند. تنها جبهه فرق می‌کند.

فرار از این شرایط هم مانند فرار از جنگ جرمه دارد.

۵.۴- فرار از جبهه سلامت همانند فرار از جنگ

وفي (معاني الأخبار) عن محمد بن الحسن، عن الصفار، عن أحمد ابن محمد، عن أبيه، عن فضالة، عن أبان الأحمر، قال سأل بعض أصحابنا أبا الحسن عليه السلام عن الطاعون يقع في بلدة وأنا فيها أتحوّل عنها؟ قال: نعم قال: ففي القرية وأنا فيها أتحوّل عنها؟ قال: نعم، قلت: ففي الدار وأنا فيها أتحوّل عنها؟ قال: نعم قلت: فإننا نتحدث أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: الفرار من الطاعون كالفرار من الزحف قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله إنما قال: هذا في قوم كانوا يكونون في الشغور في نحو العدو فيقع الطاعون فيخلون أماكنهم يفرون منها، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: ذلك فيهم. [١٢]

سنت ما ۲۵۰ ساله است و سنت اهل سنت ۲۳ ساله از این رو دست ما بازتر است. همه چیز در روایات هست.

حکم را برای خود بیمار هم بگویم یعنی برای بیمار هم شاید بتوان گفت ثواب شهید دارد گرچه اصطلاحش در جبهه است مانند زنی که در حال زایمان از دنیا برود.

استفتائی که از مقام معظم رهبری دامت برکاته داشتند در باره کادر درمانی مبارزه با کرونا به درستی فرمودند شهید هستند و خدمات شهید دارند. این است ولی ای که موضوع و حکم را تشخیص می دهد. در ولایت فقیه ان شاء الله خواهیم رسید که ما همان ولایت امام را قائل هستیم با یک تفاوتی.

امروز ما موضوع سرایت را بحمدالله با ادله فقهاتی ثابت کردیم حال احکام سرایت را یک به یک عرض خواهیم کرد.

[۱] میزان الحکمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ۴، ص ۳۱۹۰.

[۲] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ۹۳، ص ۵۷.

[۳] ابراهيم/سوره ۱۴، آیه ۲۴.

[۴] الفصول المهمة في أصول الأئمة، الحر العاملي، الشيخ أبو جعفر، ج ۱، ص ۵۵۴.

[۵] كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء - ط الحديثة، كاشف الغطاء، الشيخ جعفر، ج ۲، ص ۴۱۱.

[۶] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۱، ص ۱۰۶.

[۷] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱، ص ۱۵۸، أبواب الماء المضاف والمستعمل، باب ۱۱، ح ۲، ط الإسلامية.

[۸] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۳۷۰، أبواب احكام الدواب في السفر وغيره، باب ۲۸، ح ۱، ط الإسلامية.

[۹] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۶۴۵، أبواب باب جواز الفرار من مكان الوباء والطاعون، باب ۲۰، ح ۱، ط الإسلامية.

[١٠] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢، ص ٦٤٥، أبواب جواز الفرار من مكان الوباء والطاعون، باب ٢٠، ح ١، ط الإسلامية.

[١١] علل الشرائع، الشيخ الصدوق، ج ٢، ص ٥٢٠.

[١٢] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢، ص ٦٤٥، أبواب الاحتضار وما يناسبه، باب ٢٠، ح ٣، ط الإسلامية.

